

۱. الگوی نظری تحقیق

زبان‌شناسی نقش‌گرا^۱ یکی از سه نگرش مسلط زبان‌شناسی نظری است. این رویکرد زبان‌شناسی به انواع و زیرمجموعه‌های گوناگونی چون دستور پیدایشی^۲، دستور نقش و ارجاع^۳ و دستور نظام‌مند^۴ تقسیم می‌شود. دستور نظام‌مند متأثر است از سنت نقش‌گرایی اروپا و زبان‌شناسان مکتب لندن به‌ویژه «نظریه نظام-ساخت»^۵ جی.آر. فرث^۶ در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰؛ دستاوردهای یلمزلف و مکتب پراگ، خاصه آراء مَتسیوس که به «بار خبری و اطلاعاتی ساخت جملات»^۷ از قبیل مفاهیم «مبتدا» و «خبر» معتقد است. هلیدی از شاگردان جی.آر. فرث است که دستور نظام‌مند را رشد داد. او در دستور خود نظام صوری زبان را توأم با نظام معنایی و نقشی در بافت در نظر می‌گیرد. او سه سطح معنا را در نظریه خود مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: فرانش تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی.

در این مقاله قصد داریم با استفاده از این نظریه به برخی ویژگی‌های سبک نویسندگی زنانه در اثر مذکور دست یابیم. با روش نمونه‌گیری سیستماتیک از حدود ۱۵۰۰ پاراگراف رمان، ۳۰۰ پاراگراف را برگزیدیم و تئوری را بر روی آنها اعمال کردیم.

۲. فرانش میان‌فردی

معنی میان‌فردی بیان‌گر چگونگی تعامل با دیگران و حفظ روابط اجتماعی است. ما بنا به مقاصد با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم و براساس این اهداف؛ بر آنها تأثیر می‌گذاریم یا دیدگاه‌های خودمان را به آنها القا می‌کنیم و تمایلات و رفتارشان را تحت تأثیر قرار می‌دهیم یا اطلاعاتی به آنها ارائه می‌دهیم یا از آنها اطلاعاتی می‌گیریم. در نتیجه،

¹ Functional linguistics

² Emergent Grammar = EG

³ Role and Reference Grammar = RRG

⁴ Systemic Grammar

⁵ System-structure theory

⁶ J.R. Firth

⁷ Functional Sentence Perspective = FSP

گفتگو^۱ یا یک تبادل ارتباطی به منظورهای گوناگونی صورت می‌گیرد که می‌توان آنها را نامحدود دانست، مانند: تأیید کردن، دستور دادن، رد کردن، ارزیابی کردن، متقاعد کردن، پوزش خواستن، توصیف کردن و... از میان انواع اهداف ارتباطی، هلیدی موارد زیر را اساسی‌ترین اهداف در یک ارتباط کلامی می‌داند (Halliday, 2004: 107):

- ۱- دادن اطلاعات ۲- گرفتن اطلاعات ۳- دادن امکانات و تسهیلات ۴- گرفتن یا تقاضای امکانات و تسهیلات.

تجلی هر یک از این نقش‌های اصلی در زبان با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال گرفتن اطلاعات در قالب جملات سؤالی بیان می‌شود در حالی که دادن اطلاعات با جملات خبری مطرح می‌شود.

از منظر معنی میان‌فردی ساختمان جمله به دو بخش وجه و باقی عناصر تقسیم می‌شود که در اینجا به آن دو می‌پردازیم:

۱-۲ وجه

وجه عنصری است که در ساختمان بند بسیار مؤثر است و از منظر میان‌فردی، هسته اصلی گفتگو را تشکیل می‌دهد. هلیدی وجه را تحت عنوان کیفیت و چگونگی "Modal" نیز می‌آورد اما به دلیل تلفیق آن با حالت کیفی، "Mood" را برایش مناسب‌تر می‌داند (Halliday, 2004: 113).

ساختمان بند در معنی میان‌فردی به دو بخش «وجه^۲» و «باقی عناصر^۳» تقسیم می‌شود. وجه در ساختمان بند نقشی اساسی دارد و تشکیل‌دهنده هسته اصلی گفتگو و تعیین‌کننده نوع تعامل است، همچنین نمایانگر نگرش گوینده در تعامل اجتماعی است. وجه شامل «فاعل^۴» و «عنصر صرفی^۵» است و باقی عناصر، سازه‌های دیگر بند

¹ Exchange

² Mood

³ Residue

⁴ Subject

⁵ Finite element

هستند که ممکن است نقش‌های «گزاره ساز^۱»، «متمم^۲» و یا «ادات^۳» را داشته باشند (Bloor & Bloor, 1997: 45).

عنصر وجه، همان‌طور که آمد، در دیدگاه هلیدی شامل فاعل و عنصر صرفی است. هلیدی بیان می‌دارد؛ فاعل و عنصر صرفی بر روی هم بخشی از بند را تشکیل می‌دهند که به آن وجه گفته می‌شود. او معتقد است که وجه نقش عمده‌ای در القای معنای میان‌فردی ایفا می‌کند (Halliday, 1994: 72).

اصطلاح «فاعل»، در نظریهٔ نقش‌گرایی هلیدی عبارت از عنصری است که گوینده می‌خواهد او را مسئول درستی گزاره‌ای^۴ که در بند مطرح شده، قلمداد کند و آنچه در بند می‌آید پیرامون آن است. فاعل جمله می‌تواند یک گروه اسمی مرکب باشد یا یک گروه اسمی^۵ به همراه یک جملهٔ وصفی درونی. در نظریهٔ نقش‌گرا فاعل یک مقولهٔ صرفاً دستوری در فرم نیست بلکه مانند سایر مقولات نقش‌گرا منشأ معنایی دارد (Halliday, 2004: 24).

۱-۱-۲ عنصر صرفی

عنصر صرفی بخشی از گروه فعلی^۶ است و نقش آن محدود و مشخص کردن گزاره است. یعنی عنصر صرفی مفهوم و معنی گزاره‌ای بند را با بافت واقعی و عینی آن مرتبط می‌سازد، این ارتباط بند با بافت واقعی از دو راه ارجاع به لحظهٔ صحبت مانند: «پیرمرد از کنار رودخانه می‌گذشت»، یا ارجاع به قضاوت و نگرش گوینده مانند: «این نمی‌تواند درست باشد»، امکان‌پذیر است که مورد اول را «زمان دستوری^۷» و مورد دوم را «حالت کیفی^۸» می‌نامند (Halliday, 2004: 115). علاوه بر این، عنصر صرفی نمایانگر

¹ Predicator

² Complement

³ Adjunct

⁴ Proposition

⁵ Nominal group

⁶ Verbal group

⁷ Primary tense

⁸ Modality

قطبیت^۱ یا مثبت و منفی بودن گزاره نیز هست. می‌توان دو مفهوم ارائه شده توسط عنصر صرفی را این‌گونه خلاصه کرد (همان: ۱۱۶).

۱- زمان دستوری: به معنای گذشته، حال، آینده در زمان صحبت است و زمانی است که به لحظه صحبت ارتباط دارد.

۲- حالت کیفی: میزان اعتبار مفهوم بند را نشان می‌دهد و اینکه مفهوم بیان شده در چه مرتبه‌ای از بازه احتمال^۲ تا التزام^۳ قرار دارد.

قطبیت، به معنی اینکه گزاره از چه میزان اعتبار مثبت یا منفی برخوردار است (Thompson, 2004: 45)، مفهوم دیگری است که از طریق عنصر صرفی و در قالب زمان دستوری یا حالت کیفی در بند بیان می‌شود. به عبارت دیگر هر کدام از دو مفهوم ذکر شده می‌توانند از میزان اعتبار مثبت یا منفی بهره‌مند باشند. در جملات امری عنصر صرفی بی‌نشان است و برای منفی کردن این جملات به کار می‌رود.

در زبان فارسی، عنصر صرفی می‌تواند با فعل واژگانی ادغام شود یا به صورت افعال وجهی در متن ظاهر گردد. در این زبان، زمان دستوری همیشه در فعل مستتر است حال آنکه مفهوم قطبیت و حالت کیفی می‌تواند در فعل و یا در دیگر اجزای بند پنهان باشد:

آرمینه و آرسینه ایشی و راپونزل به بغل چارزانو توی تخت‌خواب‌ها نشسته بودند (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۹۱).

برحسب سه مفهوم بیان‌شده از سوی هلیدی، این جمله بدین صورت است: ۱- گزاره در زمان گذشته اتفاق افتاده است. ۲- قطبیت مثبت دارد. ۳- صد در صد معتبر است. تا زمانی که شنونده یا خواننده اعتبار این اطلاعات را بر حسب این سه مورد بپذیرد، سخنگو یا نویسنده می‌تواند به گفتگو و تعامل ادامه دهد. تحلیل بند فوق بر اساس نقش میان‌فردی به صورت زیر خواهد بود:

¹ Polarity

² Probability

³ Obligation

آرمینه و آرسینه ایشی و راپونزل به بغل چارزانو توی تخت خوابها نشسته بودند.
فاعل ادات موقعیتی ادات موقعیتی متمم گزاره ساز - عنصر صرفی

← وجه →

۲-۱-۲ انواع وجه

در فرانش میانی فردی خبرها با بند خبری، پرسشها با بند پرسشی و امرها با بند امری همراه است. اینها سه نوع وجه عمده در نظام بندهاست. از دیدگاه هلیدی درخواستها، تقاضاها و پیشنهادها به وجه خاصی مرتبط نبوده و کاملاً به وجهیت مربوط اند (Thompson, 2004: 47). تفاوت میان وجه اخباری و امری این است که هرگاه فاعل و عنصر صرفی در بند وجود داشته باشد، آن بند در وجه اخباری است، ولی اگر فاعل در بند حضور نداشته باشد، وجه آن امری است (البته این نکته تنها در بندهای بی نشان صادق است).

بر این اساس می توان وجه را در بندهای زیر، بدین صورت تعیین کرد:

«خاتون یرمیان چند لحظه ساکت شد» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

فاعل عنصر صرفی: وجه اخباری

«از مادر بزرگ بپرس» (همان: ۵۵).

عنصر صرفی: وجه امری (صورت بی نشان جمله امری)

فقیری پس از بررسی وجه در کتابهای دستور زبان فارسی تقسیم بندی زیر را در مورد وجه ارائه داده است که ما نیز تحلیل خود را با اندک تغییراتی بر همان اساس انجام داده ایم (فقیری، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۳). از این رو وجه را می توان به انواع زیر تقسیم کرد:

وجه خبری:

برای بیان خبر یا دادن اطلاع است و درجه اعتبار آن از قطعیت تا عدم قطعیت است بین ۰ تا ۱ و از حیث قطبیت مثبت یا منفی است:

فنجانهای قهوه را چیدم روی میز، نشستم بغل دست نینا و سعی کردم گوش کنم چه می گوید (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

وجه پرسشی:

نمایانگر پرسش است و مانند وجه خبری درجه اعتبار آن بین ۰ تا ۱ است از قطعیت تا عدم قطعیت و قطبیت آن نیز مثبت یا منفی است:
 هول دویدم جلو. «چی شده؟ زمین خوردی؟ با کسی دعوا کردی؟ مریض شدی؟» (همان: ۱۳۸)

وجه شرطی:

در صورتی می‌گوییم وجهی شرطی است که یا عناصر شرط در آن بند حضور داشته باشند یا جمله از حیث معنایی، شرطی باشد:
 شاهنده به هر کسی که به مغازه‌اش می‌رفت، اگر هوا خیلی گرم بود شربت گلاب و تخم شربتی تعارف می‌کرد و اگر هوا گرم نبود چای با لیمو عمانی. (همان: ۶۱)

وجه عاطفی:

هنگامی که بند بیانگر احساسات و عواطف اندوه، شادی، درد، لذت، نفرت، ستایش، تحسین، شگفتی، افسوس، ترس، علاقه و... باشد، آن را وجه عاطفی گوییم (نک: خانلری، ۱۳۷۰: ۳۲):

از دیدن قیافه هراسان و نگرانش خنده‌ام گرفت. مادرم از هر اتفاقی هراسان و بابت هر چیز نگران می‌شد. از اینکه آلیس تا آن وقت ازدواج نکرده بود مدام نگران بود و وقتی هم مردی در زندگی خواهرم پیدا می‌شد ترس برش می‌داشت. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

وجه تردیدی:

آن هنگام که وقوع امری قطعی نباشد و بند از حیث معنایی بیانگر نوعی تردید و شک باشد:

فکر کردم «چه کار می‌کند؟ شاید با مادرش حرف می‌زند یا کتاب می‌خواند. شاید هم...» (همان: ۲۰۱).

وجه پیشنهادی:

هنگامی که بند معانی درخواست، تقاضا یا پیشنهادی را برساند در آن صورت وجه پیشنهادی داریم:

آرمینه پرید وسط حرفش. «خُب، مادر بزرگ استراحت کنند. امیلی می‌ماند پیش ما» آرمینه گفت «خُب، شما هم بمانید. این جوری مادر بزرگ حسابی استراحت می‌کنند.» (همان: ۱۰۳)

وجه آرزویی:

بیان آرزو یا خواست رسیدن به رؤیایی است:
سوفی گفت: «خوش به حال دختر پادشاه. من اگر بودم ماه را می‌خواستم و همه جواهرها و همه شکلات‌های دنیا.» (همان: ۲۰۴)

وجه تمنّایی:

بیان خواهش و تمنّا در بند را به کار بردن وجه تمنّایی گویند:
دوقلوا التماس کردند «شام پیش ما بماند.» (همان: ۹۰)

وجه دعایی:

وجه دعایی بار معنایی دعا یا نفرین را به همراه دارد:
خانم سیمونیان ایستاد و بازویم را گرفت. «ببخش. دلتنگ بودم. شب بخیر.» (همان: ۱۸۵)

وجه التزامی:

هرگاه بند از نظر معنایی توصیه، اجبار، الزام و تهدید را برساند:
خانم نوراللهی گفته بود «ما باید خیلی چیزها از خانم‌های ارمنی یاد بگیریم». حتماً تعارف کرده بود. (همان: ۱۱۰)

وجه امری:

اغلب با فعل امری همراه است اما منحصر به آن نیست. بیانگر فرمان، امر و دستور است:

صد بار گفتم مواظب باش. سبب زمینی سوخت که سوخت. چرا به فکر خودت نیستی؟
(همان: ۱۰۷)

وجه نهی:

همان وجه امر منفی است که مانند وجه امری با فعل نهی (امر منفی) همراه است و نهی از انجام کاری را می‌رساند:

قبل از آمدن به آرتوش گفته بودم «بحث سیاسی راه نمی‌اندازی.» (همان: ۱۲۴)

وجه تأکیدی:

حتمی بودن امری را می‌رساند:

توی تخت بیمارستان شرکت نفت تا صبح بیدار ماندم و لرزیدم. فکر کردم لرز و سرما حتماً از زایمان است. (همان: ۱۴۱)

وجه وصفی:

از مصدر مرخّم + صامت «ه» ساخته می‌شود و در بند نقش فعل را ایفا می‌کند (نک: شریعت، ۱۳۴۵: ۱۳۲-۱۳۰):

انگار کسی منتظرم باشد، انگشت از روی زنگ پرنداشته در باز شد و خانم سیمونیان جواب سلام را نداده گفت «نه. اصلاً امکان ندارد.» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۷۲)

۳-۱-۲ زمان:

یکی دیگر از عناصری که تعیین‌کننده معنی میان‌فردی است و در واقع عنصر صرفی جمله را تشکیل می‌دهد مقولهٔ زمان است. در این قسمت علاوه بر معرفی انواع زمان‌های حال، گذشته و آینده برخی از کاربردهای هر کدام نیز بررسی می‌شود:

۱-۳-۲ انواع زمان گذشته**گذشتهٔ ساده:**

گذشتهٔ ساده برای بیان وقوع عملی در گذشته بدون توجه به دوری یا نزدیکی زمان همچنین برای بیان احتمال به جای مضارع التزامی و برای بیان آیندهٔ قریب‌الوقوع (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۳/ انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۴۵/ شریعت، ۱۳۴۵: ۱۱۱) به کار می‌رود.

مانیا سرخ شد و به یکی از بچه‌های انتظامات که صدایش می‌کرد گفت «آمدم (خواهم آمد).» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۳۲)

آلیس به نینا گفت «همین الآن به کلاریس گفتم دلم برای نینا یک ذره شده.» (همان: ۱۵۷)

گذشتهٔ استمراری:

گذشتهٔ استمراری برای بیان عملی که در گذشته به صورت مستمر ادامه داشته است (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۳)، می‌آید:

از نهر صدای یک‌بند قورباغه‌ها را می‌شنیدم و شالاپ آب وقتی که یکی جست می‌زد. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

دو وِز دهنم باز کشمکش را شروع کردند. اولی به دومی مجاللی نمی‌داد. (همان: ۱۵۱)

گذشتهٔ بعید:

گذشتهٔ بعید برای بیان عملی که در گذشته پیش از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۳) به کار می‌رود.

شروع کردم به جابه‌جا کردن چیزهایی که خریده بودم. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۸۸)

هوا تاریک شده بود و دم داشت و باد نمی آمد. (همان: ۱۸۰)

گذشته مستمر یا ملموس:

این فعل در فارسی سابقه زیادی ندارد و مربوط به سده اخیر است. علت به وجود آمدن آن این است که دلالت ماضی استمراری بر تداوم کار در گذشته ضعیف شده است. بنابراین برای نشان دادن تداوم و استمرار عمل در گذشته از این فعل استفاده شد. ساختهای مستمر ابتدا در فارسی گفتاری به وجود آمد و به تدریج وارد فارسی نوشتاری شد (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۴).

گازنیک داشت درباره جای کولر جدیدی که می خواست نصب کند با آرتوش مشورت می کرد. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۴)

آرسینه و آرمینه داشتند پیچ پیچ می کردند. (همان: ۱۴۲)

گذشته ساده نقلی:

انوری و گیوی آن را ماضی نقلی نامیده اند. گذشته ساده نقلی برای نقل وقایع گذشته که گوینده ناظر آن نبوده است و با چنین عباراتی «مثل این که، از قرار معلوم، می گویند و گویا» همراه است نیز برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و اکنون نتیجه آن مورد نظر است (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۴) کاربرد دارد.

آرمینه پشت دری را پس زد. «باز مه شده است.» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۸۸)
«چند روز پیش گفت می آید خاک گل نخودی ها را عوض کنیم. فکر کردم تعارف کرده است.» (همان: ۱۴۶)

گذشته التزامی:

وحیدیان می آورند: این زمان برای احتمال، آرزو، شرط، تحذیر و الزام در گذشته، همراه با عوامل التزامی ساز: اگر، شاید، باید، مبادا، کاش و هم معنی های آنها می آید: اگر/ شاید/ باید/ مبادا/ کاش/ خدا کند/ امید است/ لازم است/ آمده باشد (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۵).

«تا مادر نیست قشقرق راه بیندازد بگویم سیمونیان هر عیب و ایرادی داشته باشد مهم نیست.» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۹۵)

«چشمها را باز کرد، سر بالا گرفت و انگار تازه متوجهم شده باشد زل زد به صورتم.» (همان: ۱۳)

۲-۳-۱-۲ انواع زمان حال (مضارع)

مضارع اخباری:

مضارع اخباری برای بیان عملی که هم‌اکنون در حال انجام گرفتن است یا جنبه عادت و استمرار و تکرار دارد به کار می‌رود. در واقع وقایع و رویدادها و آنچه در زمان حال اتفاق می‌افتد با این زمان بیان می‌شود. نیز برای بیان حقایق مسلّم و بیان مسائل علمی و برای بیان آینده کاربرد دارد (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۰۰).

گفت «نگران نباش فقط گپ می‌زنیم». نان‌ها را گذاشتم توی جانانی و با خودم غر زدم «فقط گپ نمی‌زنند». (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۸۸)

حس کردم آرمن هم دلش می‌خواهد برود و پابه‌پا می‌شود. مطمئن بودم اگر بگویم بمان می‌رود. (همان: ۴۶)

مضارع ملموس یا مستمر:

این زمان برای بیان اعمالی که هم‌اکنون در حال انجام است (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۶) به کار می‌رود.

سوفی تا دید مادرش دارد می‌رود دوباره زد زیر گریه. (همان: ۱۶۲)

توی این گرما چرا داری کتلت و سیب‌زمینی سرخ می‌کنی? (همان: ۱۰۷)

مضارع التزامی:

برای بیان احتمال، آرزو و الزام در آینده همراه با عوامل التزامی‌ساز مانند: کاش، شاید، ممکن است، خدا نکند...: شاید بروم، باید بیایند، ... (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۶) می‌آید. ویژگی ساختی این زمان داشتن تکواژ التزامی‌ساز «ب» است: «شاید باران بیارد» اما این تکواژ در برخی از فعل‌های پرکاربرد مثل «داشتن و کردن» و هم‌چنین فعل‌های پیشوندی و مرکب حذف می‌شود که در آن صورت می‌توان با افزودن آن بر سر فعل، التزامی بودن آن را ثابت کرد (همان: ۴۶-۴۷).

اسم سه نفر را نمی‌دانستم و نمی‌خواستم هم بدانم. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۸۸)

«می‌خواهم تا قبل از آمدن بچه‌ها درباره امیلی و آرمن حرف بزنم». (همان: ۱۵۱)

مضارع ساده:

کاربرد مضارع ساده این موارد است: در نقش مضارع التزامی، در فعل‌های پیشوندی در نقش مضارع التزامی، از فعل ساده «داشتن» به جای مضارع اخباری. آرمینه آمد جلو و دستم را گرفت. «حالت خوب نیست؟» آرسینه دست دیگرم را گرفت. «حالت خوب نیست؟» چقدر دلم می‌خواست بگویم «آره، حالم خوب نیست.» فرصت نشد از خودم بپرسم چرا حالم خوب نیست. (همان: ۹۹)

۳-۳-۱-۲ آینده

به جای ساخت آینده، امروزه معمولاً از مضارع اخباری استفاده می‌شود، لذا کاربرد آن کم شده است:

سال آینده به مسافرت می‌رویم = سال آینده به مسافرت خواهیم رفت. (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۷)
کاربردی از این زمان در رمان دیده نشد. تنها موارد زیر بود که در آنها از زمان‌های دیگر اعاده معنای آینده شده است:

«دوچرخه عهد بوق کجا به این زودی درست می‌شود = درست خواهد شد.» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۲۹۲)

«برای باغچه خودمان سفارش خاک و کود دادم. آوردند، خاک اینها را هم عوض می‌کنم = عوض خواهیم کرد.» (همان: ۱۰۲)

۴-۳-۱-۲ فعل امر

فعل امر در معنی اصلی امر، امر آینده، خواهش و استمرار می‌آید. اول شخص و دوم شخص جمع بین ماضی التزامی و امر مشترک است. مانند: برو، بروید (امر) و کاش بروید (ماضی التزامی) باید بروید، باید برویم، (فعل تأکیدی) (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۰۶).
به در فلزی نرسیده بود که صدا زد «صبر کن.» (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۰۱)
«بمان خانه، درس بخوان.» (همان: ۷۳)

قابل ذکر است که فعل امر و دعا در تحلیل سبکی لحاظ نشده است، زیرا که وجه امری و دعایی نشان‌دهنده میزان فعل‌های امری و دعایی است در حالی که ساخت‌های دیگر هم مفهوم امر و دعا را می‌رسانند. البته توضیحی برای فعل دعا در این بخش

نیاوردیم چرا که این فعل در متن نمونه ما کاربردی نداشت هر چند وجه دعایی همان‌طور که در مثال‌های آن بخش آورديم، داشتيم.

۲-۲ باقی عناصر

باقی عناصر بخش‌های دیگر بند هستند که امکان حضور در بند را دارند. هر یک از این سه عنصر نقشی فرعی را در بند داریند و عبارت‌اند از (Halliday, 1994: 79):

۱- گزاره‌ساز^۱ ۲- متمم^۲ ۳- ادات^۳

۲-۲-۱ گزاره‌ساز:

همان فعل واژگانی است که توسط گروه فعلی منهای عنصر صرفی بیان می‌شود (Halliday, 2004: 121). بنابراین اگر عنصر صرفی را از فعل جدا کنیم، آنچه باقی می‌ماند گزاره‌ساز است. در نتیجه گزاره‌ساز غیرصرفی یا ناخودایستاست و هر بند الزاماً دارای یک گزاره‌ساز است. گزاره‌ساز بیان‌گر عمل، حادثه، اتفاق و یا حالتی است که فاعل درگیر آن است ولی ممکن است نقش‌های دیگری نیز در بند داشته باشد (همان: ۱۲۲).

۲-۲-۲ متمم:

هر بند ساده می‌تواند شامل یک یا دو متمم باشد (Halliday, 2004: 121). مارگارت بری، متمم را این‌گونه تعریف می‌کند: متمم بخشی از جمله است که در جواب به سؤال: «چه کسی؟ یا چه چیزی؟» داده می‌شود (Berry, 1975: 64). تامسون نیز معتقد است متمم آن عنصری از بند است که بالقوه می‌تواند نقش «فاعل» داشته باشد و معمولاً به صورت گروه اسمی، اسم، ضمیر یا بند ظاهر می‌شود (Thompson, 2004: 51). به طور کلی، عناصری که در دستور سنتی نقش‌های؛ مفعول صریح و غیرصریح، متمم و مسند دارند در این مدل دستوری عنوان «متمم» می‌گیرند (Halliday, 2004: 123). امیلی مرا که دید زود صاف نشست، دامنش را پایین کشید و جفت دست‌ها را گذاشت روی زانوهای. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۵۳)

¹ Predicator

² Complement

³ Adjunct

۳-۲-۲ ادات:

علاوه بر گزاره‌ساز و متمم، عناصر ادات که ممکن است یک یا بیشتر باشند در بند وجود دارند. نقش ادات معمولاً توسط گروه‌های قیدی^۱ یا گروه‌های حرف اضافه‌ای^۲ بیان می‌شود:

با دهان باز و چشم‌های گشاد به نینا نگاه کردم. (همان: ۱۲۲)

هلییدی ادات را به دو نوع اصلی و مستقل تقسیم می‌کند؛ «ادات کیفی^۳» و «ادات کلامی^۴». وی بیان می‌دارد که جایگاه ظهور آنها تنها در باقی عناصر بند نیست و همچنین این دو نوع ادات، اهداف مشابهی را در بند دنبال نمی‌کنند. او در ادامه از «ادات موقعیتی^۵» نیز یاد کرده و بیان می‌کند که این ادات در بندهای متعددی می‌آیند و بیشتر در فرانشس تجربی بررسی می‌شوند (Halliday, 2004: 125).

جدول شماره ۱: سه فرانشس و انواع ادات

فرانشس	انواع ادات	مکان ادات در ساختار وجه
تجربی	ادات موقعیتی	در باقی عناصر بند می‌آیند.
میان فردی	ادات کیفی	در وجه یا نگرش بند حضور دارند.
متنی	ادات کلامی	(در ساختار وجه قرار ندارند).

۱-۳-۲-۲ ادات کیفی:

ادات کیفی نقش میان فردی دارند.

یکی از خوبی‌های نینا این بود که هیچ‌وقت دلگیر نمی‌شد.

این ادات به دو دسته تقسیم می‌شوند: «ادات وجهی^۶» و «ادات نگرشی^۷».

¹ Adverbial groups

² Prepositional phrases

³ Modal Adjuncts

⁴ Conjunctive Adjuncts

⁵ Circumstantial Adjuncts

⁶ Mood Adjuncts

⁷ Comment Adjuncts

۲-۳-۲ ادات وجهی:

به این دلیل آنها را ادات وجهی می‌نامند که ارتباط تنگاتنگی با معنی وجه و ساختار آن دارند و به انواع معانی از قبیل وجهیت^۱، زمان‌مندی^۲ و تأکید^۳ می‌پردازند (Halliday, 2004: 126). این ادات به فعل و عنصر صرفی مربوط می‌شوند و بخشی از گروه فعلی هستند (Thompson, 2004: 54). در زبان انگلیسی جایگاه آنها در بند متغیر است و می‌توانند قبل و بعد از عنصر صرفی بیابند، همچنین ممکن است قبل از فاعل در بند ظاهر شوند. وجهیت و زمان‌مندی، در این ادات، مفاهیم قدرتمندی هستند که قابلیت مبتدا شدن در بند را دارند (Halliday, 2004: 126).

ادات وجهی شامل: معمولاً، قطعاً، همیشه، به آسانی، هرگز، ابدأ، مشتاقانه، حتماً، با کمال میل، به‌ندرت، هنوز، به زودی، کاملاً، گه‌گاه، احتمالاً، به‌تمامی، تقریباً و ... می‌باشد:

مادر گفت «من هم اصلاً نترسیدم. فقط نگران آلیس و کلاریس و بچه‌ها بودم. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۲۴۶)

۲-۳-۳ ادات نگرشی:

این ادات، نگرش گوینده را نسبت به کلّ گزاره نشان می‌دهند و برخلاف ادات موقعیتی اطلاعات مفهومی دربارهٔ پدیده‌ای را به ما نمی‌دهند. میان ادات نگرشی و ادات وجهی مرز چندان روشنی وجود ندارد. به عنوان مثال مقوله‌های نگرشی؛ پیش‌بینی^۴، استنباط^۵ و مطلوبیت^۶ با مقوله‌های وجهی تداخل معنایی دارند، به همین دلیل هر دو تحت عنوان کلی ادات کیفی آورده می‌شوند. بیشترین تفاوت میان این دو ادات، در محدودیت دستوری ادات نگرشی نسبت به ادات وجهی است؛ آنها تنها در گزاره‌های خبری می‌آیند و نگرش گوینده را نسبت به کلّ گزاره یا یک کارکرد کلامی خاص

¹ Modality

² Temporality

³ Intensity

⁴ Prediction

⁵ Presumption

⁶ Desirability

نشان می‌دهند. به عبارت دیگر نگرش، می‌تواند بار معنایی اندیشگانی^۱ یا میان‌فردی^۲ داشته باشد. در نتیجه ادات نگرشی دو نوع هستند؛ نوع گزاره‌ای در دو بخش فاعل یا کلّ گزاره (اندیشگانی) و نوع کارکرد کلامی (میان‌فردی) (Halliday, 2004: 129- 131). از انواع ادات نگرشی می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: البته، به سادگی، بی‌تردید، خوشبختانه، غیر منتظره، مسلماً، به تحقیق، امیدوارانه، بدبختانه، جاهلانه، به‌درستی، صادقانه، متأسفانه، به‌وضوح، بدون شک، مطمئناً، مختصراً، صراحتاً، به‌طور کلی، در کل، در اصل، احمقانه، محرمانه و...

لبخند احمقانه‌ای روی لب‌هایم نشست. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۰۲)

۴-۲-۳-۴ ادات کلامی (نقش‌نماهای کلامی):

به کمک ادات کلامی مفهوم بند را محدود می‌کنیم. برخلاف ادات کیفی که کارکرد میان‌فردی دارند، ادات کلامی معنی متنی دارند. این نوع ادات ارتباط منطقی بین بندها را، با ایجاد همبستگی^۳ در متن، برقرار می‌کنند. ادات کلامی در قالب گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای در بند حضور می‌یابند (Halliday, 2004: 132). به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: به علاوه، علی‌رغم، با این وجود، همچنین، به‌طور خلاصه، بالاخره، در حقیقت، به عبارت دیگر، در نتیجه و...

مطمئن بودم یک جایی حق با من است و با این حال نمی‌دانستم چه‌طور بگویم که به نظر نیاید نک و ناله زنی غرغروست که با شوهرش دعوا کرده. (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۲۶۲)

۵-۲-۳-۵ ادات موقعیتی:

این نوع ادات معنی تجربی و مفهومی دارند (Halliday, 2004: 125) و بیانگر مفاهیمی از قبیل: کسی، چگونه، کجا و... می‌باشند. یعنی این نوع ادات، زمان، مکان، علت و چگونگی یک پدیده را نشان می‌دهند:

چمدانی در هر دست، پشت سر آرتوش می‌رفتم طرف ماشین که پارک کرده بودیم نزدیک مغازه شاهد. (همان: ۱۵۱)

¹ Ideational

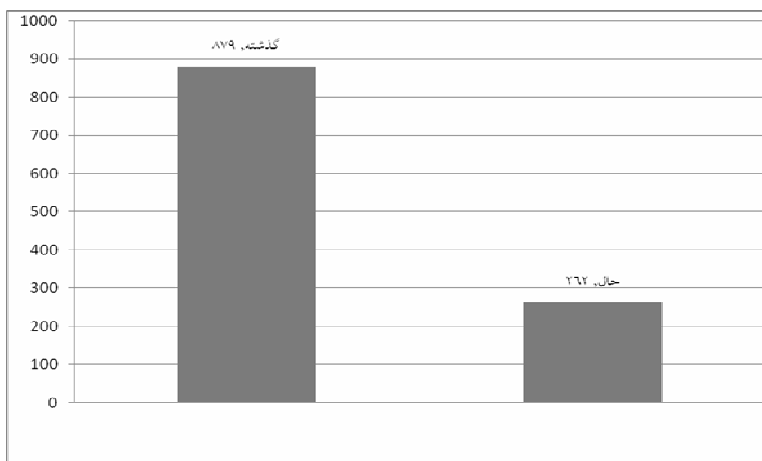
² Interpersonal

³ cohesion

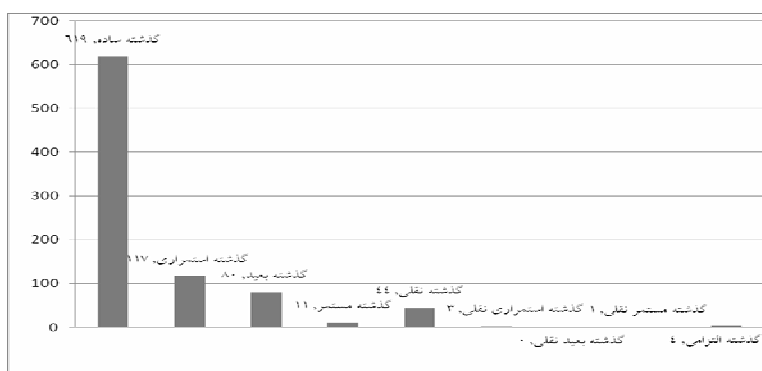
۳. تحلیل و تفسیر داده‌ها:

پس از تبیین نظریه، حال به ارائه داده‌های به دست آمده از متن رمان در قالب نمودارهای آماری می‌پردازیم و سپس داده‌ها را تحلیل و تفسیر می‌کنیم.

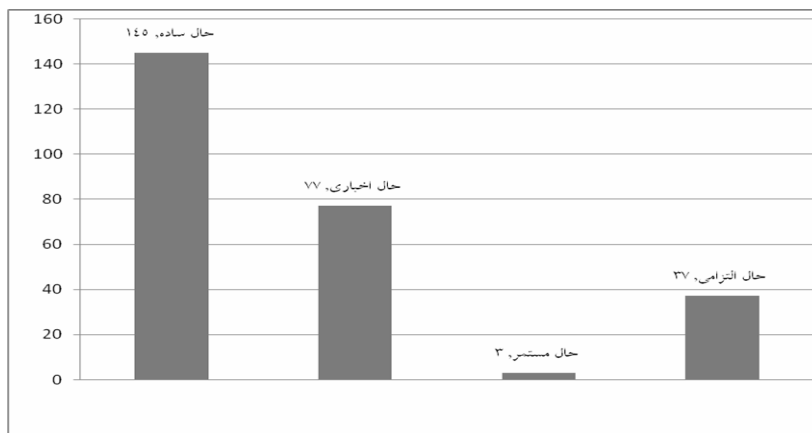
نمودار شماره ۱: نمودار فراوانی دو زمان گذشته و حال



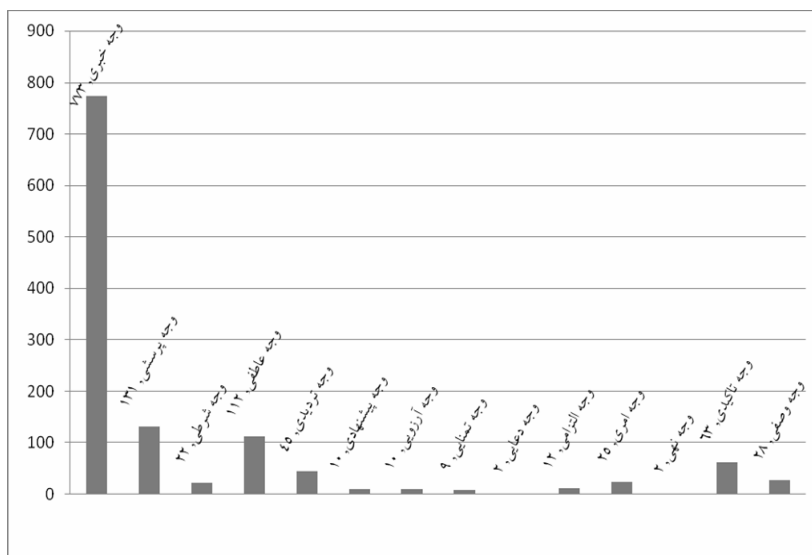
نمودار شماره ۲: نمودار فراوانی انواع زمان گذشته



نمودار شماره ۳: نمودار فراوانی انواع زمان حال



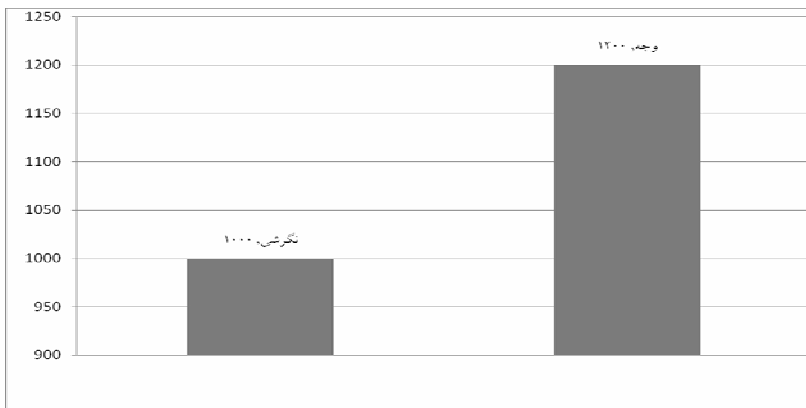
نمودار شماره ۴: نمودار فراوانی انواع وجه



نمودار شماره ۵: نمودار فراوانی انواع ادات



نمودار شماره ۶: نمودار فراوانی انواع ادات کیفی



۴. تحلیل و تفسیر زمان‌های گذشته، حال و آینده

کاربرد زمان‌ها در رمان چراغ‌ها را / من خاموش می‌کنم این‌گونه است: زمان گذشته ۷۷٪، زمان حال ۲۳٪ و زمان آینده نیز همان‌طور که در نمودار دیدیم کاربردی در متن نمونه ما نداشت.

جدول شماره ۲: کاربرد انواع زمان گذشته در رمان

ساده	استمراری	بعید	نقلی	مستمر	التزامی
٪۷۱	٪۱۳	٪۹	٪۵	٪۱	٪۱

کاربرد زمان گذشته تقریباً سه برابر زمان حال است. این استفاده‌ی بالا از زمان گذشته گویای این مطلب است که راوی در بیان واقعیات دنیای درون و برون ذهن خود ترجیح داده است آنها را در ساخت گذشته به کار گیرد، شاید با این عمل می-خواسته به ما نشان بدهد که او از منظر دانای کل، قصد تعریف کردن خاطراتی را دارد که اتفاق افتاده است نه اینکه ما هم‌زمان با شخصیت نقش اول رمان این وقایع را تجربه کنیم، که البته این کار با مهارت تمام صورت گرفته است چرا که مثلاً در کافی شاپ، راوی چنان از احساس شرم گریستنش سخن می‌گوید که گویی خودش نیز دوباره در همان شرایط واقع شده است.

می‌توان کاربرد بالای این زمان را این‌گونه هم تحلیل کرد که راوی خواسته به اغلب مسائل و رویدادها از دیدی دور، گویی از بالا، بنگرد، شاید به همین دلیل کاربرد زمانهای گذشته ساده و استمراری و بعید با اختلاف سطح بسیاری نسبت به سایر زمان‌های گذشته در داستان آمده است. این نگاه دور گویی در ذهن کلاریس (راوی داستان) قرار دارد؛ کلاریس حوادث را تجربه می‌کند و حتی اگر هم‌اکنون وقوع یافته باشند چون در ذهن خود به تحلیل و بیان آنها می‌پردازد و از نگاه و تحلیل خود آنها را به ما نشان می‌دهد، آنها را با زمان گذشته به کار می‌برد. گویی ذهن او جایی عمیق‌تر از نگاه او قرار دارد؛ او یک راوی صرف نیست، او تحلیل‌گر وقایع است.

این دو نظر ارائه شده با توجه به کاربرد اندک سایر زمان‌های گذشته به مقام صدق نزدیک‌تر می‌شود، چراکه به عنوان مثال استفاده تنها ٪۱ از زمان گذشته ملموس یا مستمر گویای این مطلب است که راوی یا حوادث را هم‌زمان با ما درک نمی‌کند یا چون آنها را به ذهن منتقل کرده و از آنجا به ما القا می‌کند؛ حالت درک هم‌زمان از بین می‌رود. زمان‌های گذشته پر کاربرد ما، ساده، استمراری، بعید و نقلی هستند، که ساده چندین برابر نقلی کاربرد دارد پس حتی نقل قول حوادثی که در گذشته اتفاق

افتاده هم اندک‌اند، شاید بتوان این را دلیلی برای ارجح دانستن دیدگاه دوم ما بر دیدگاه اول دانست.

از مجموع ۲۳٪ کاربرد زمان حال نیز، حال ساده با ۵۵٪ در مرتبه اول قرار دارد، حال اخباری با ۳۰٪ پس از آن قرار می‌گیرد و حال التزامی با ۱۴٪ و حال مستمر با ۱٪ رده‌های بعد را تشکیل می‌دهند.

با توجه به نظراتی که برای زمان گذشته ارائه دادیم باید بگوییم کاربرد زمان حال در این رمان مواردی است که راوی به زمان گذشته می‌رود. او در ذکر وقایع و تجربیات خود، به خاطرات قدیم‌تر از زمان تعریف، گاهی رجوع می‌کند و اغلب، زمانی که در این حالت به کار می‌گیرد، زمان حال ساده یا اخباری است و به‌ندرت نیز حال ملموس (مستمر)، برای نمونه شما را ارجاع می‌دهیم به صفحه ۱۶۶ رمان. در آنجا، کلاریس در حالی که ماشین همسرش خراب شده است شروع می‌کند به یادآوری زمان‌هایی که پیش از این وقتی ماشین آرتوش خراب می‌شد، به کمکش می‌رفته و دیالوگ‌های مشخصی را تکرار می‌کرده است و یا به تاکسی زنگ می‌زده یا به تعمیرکار، آقا سعید تعمیرکار که می‌آمده باز دیالوگ‌های خاصی را با او نیز داشته است. راوی برای ذکر این وقایع از افعال، در زمان‌های حال ساده و اخباری بیش از سایر زمان‌ها استفاده می‌کند و نقشی که او از این دو زمان می‌طلبد، برای حال اخباری، تعریف وقایع گذشته است و از حال ساده بیشتر در دیالوگ‌های خاطرات قدیمی‌تر استفاده می‌کند. وقتی او از تعریف خاطرات قدیم فارغ می‌شود، و به اصطلاح یک زمان جلوتر می‌آید، دوباره به زمان گذشته ساده پناه می‌برد و در قالب زمان گذشته داستان را ادامه می‌دهد.

در متن نمونه خود از زمان آینده استفاده مستقیمی ندیدیم. این عدم استفاده از زمان آینده می‌تواند به دلیل حالت واگویی‌ای رمان باشد. راوی، همان‌طور که در مثال‌های بخش تئوری آمد، هر جا خواسته زمان آینده را بیاورد از دیگر زمان‌ها استفاده کرده و از معنای آنها افاده زمان آینده کرده است.

راوی از مضارع التزامی نیز بسیار اندک استفاده کرده است. از نقش‌های این فعل این است که به جای فعل امر به کار رود و گاهی هم با این فعل بسیار شبیه می‌شود و در این رمان هم بارها این شباهت را دیدیم.

فعل امر نیز کاربرد اندک حدود ۲۸ نوع را در این رمان داراست. شاید این کاربرد اندک گویای این موضوع باشد که راوی علاقه‌ای به کاربرد افعال امری ندارد یا اقتدار استفاده از این افعال را ندارد، مثلاً تنها دو سه بار کودکانش را تحکم می‌کند که درس بخوانند، اغلب در دیگر موارد به آنها توضیح می‌دهد و از امر خبری نیست. به سایر افراد رمان هم بسیار به‌ندرت امری سخن می‌گوید. مضارع التزامی نیز که یا حالت امری دارد یا آرزویی و یا الزام، وقتی کم به کار می‌رود می‌تواند گویای عدم اقتدار گوینده باشد.

۵. تحلیل و تفسیر انواع وجه

انواع وجه خبری، پرسشی، عاطفی، تأکیدی، تردیدی، وصفی، امری، شرطی، التزامی، پیشنهادی، آرزویی، تمنّایی، دعایی و نهی، به ترتیب از بیشترین تا کمترین کاربرد را در رمان دارايند.

با توجه به نمودار درصدی، می‌بینیم که کاربرد وجه خبری نسبت به پرسشی که دومین مرتبه را داراست حدود شش برابر است. این اختلاف کاربرد بین وجه اول با سایر وجه‌ها حاکی از این است که راوی در این رمان به گزارش و بیان حوادث و رخدادهایی می‌پردازد که برایش اتفاق افتاده است. کلاریس دارد در طول رمان ما را با آنچه در درون ذهن و خارج از ذهنش اتفاق افتاده، آشنا می‌سازد و ما را در جریان تحلیل‌های ذهنی خود می‌گذارد. علت کاربرد بالای وجه خبری می‌تواند همین امر باشد.

وجه پرسشی با ۱۰٪ کاربرد پس از وجه خبری با ۶۲٪، سطح بعدی را به خود اختصاص داده است. این رقم می‌تواند گویای این مطلب باشد که راوی ذهنی نقاد و پرسش‌گر، چه در رابطه با سؤالات ذهن خود چه سؤالات اطرافیان، دارد. او پیوسته در ذهن خود درگیر است؛ چرا هول شدی؟ چرا مثل همیشه شلنگ را دور شیر حلقه نمی‌کنی؟ چرا پرتش کردی؟ چرا امیلی به آشپزخانه‌ات این‌طوری نگاه کرد؟ نکند جایی در آشپزخانه‌ات کثیف است؟ آرمن اینها را از کجا یاد گرفته است؟ این‌همه سال کی گذشت؟ چند بار به مادر گفتم وقتش نشده کیف نو بخری؟ و ...

وجه عاطفی سومین بسامد کاربرد را در این رمان دارد. زنان عاطفی‌تر از مردان هستند و دلیل میزان کاربرد نسبتاً بالای این وجه نیز می‌تواند همین امر باشد.

وجه تردیدی، با ۴٪ کاربرد در رتبه پنجم ۱۴ نوع وجه ما قرار دارد. شاید کاربرد این وجه نسبت به وجوه قبلی کمتر باشد اما نسبت به هشت وجه باقی‌مانده پرکاربردتر است و به همین روی می‌توانیم بگوییم، زنان این رمان اغلب در درگیری‌های ذهن خود نسبت به اطرافیان در تردید هستند. به این دلیل ما کاربرد این وجه را ذهنی می‌دانیم که اولاً تردید و شک از ذهن برمی‌خیزد، دوم این‌که در مصداق‌هایی که از این وجه در متن یافتیم بیشتر آنها را ذهنی و ناشی از سوءتفاهم رفتاری دیدیم. مانند آنجایی که آلیس گمان می‌کرده است دکتر آرتامیان از او خوشش می‌آید، یا آنجا که کلاریس یقین ندارد که آیا برای اینکه از همسرش بلندتر نباشد کفش پاشنه‌دار نمی‌پوشد یا واقعاً با کفش پاشنه‌تخت راحت‌تر است، او حتی با وجود این‌که مطمئن است از تمام مردهایی که می‌شناسد بلند قدتر است، جانب احتیاط را رعایت کرده و با واژه «تقریباً» خود را در این بلندقدی مرد نشان می‌دهد. این موارد می‌تواند هم به ذهنی بودن وجه تردیدی و هم به ترس زنان این رمان به اظهار نظر قطعی در مورد مسائل، منجر شود.

وجه امری ۲٪ دارد که البته بخشی از افعال امری می‌توانستند وجهی غیرامری نیز داشته باشند، هرچند اکثراً وجه امری با فعل امری یکسان بود و ما آن را در بخش زمان افعال توضیح دادیم، که این تعداد اندک استفاده از وجه امری می‌تواند نشان از ناتوانی و عدم اقتدار شخصیت اول رمان باشد.

وجه التزامی تنها ۱٪ آمده است اما همین تعداد اندک کمی امیدوارکننده است که گه‌گاهی با الزام و اجبار و قاطعیت از سوی کلاریس در این رمان روبه‌رو می‌شویم، بماند که اکثر این ملزم‌کردن‌ها نیز از سوی دیگران است، اوج الزام کلاریس بر همسرش واداشتن او به زدن کروات است و برای دوقلوها در آنجا که می‌گوید: «هرکس اخلاق مخصوص خودش را دارد، باید مراعات کنیم» که بیشتر حالت توصیه دارد تا الزام.

دو وجه پیشنهادی و آرزویی و نیز وجه تمنّایی و وجه دعایی و نهی در انتهای وجوه ما قرار می‌گیرند و راوی کمتر از آنها استفاده کرده است.

۶. تحلیل و تفسیر میزان ارتباط انواع زمان و وجه

از وجه خبری این رمان، ۶۵۴ نوع در زمان گذشته به کار رفته‌اند و ۹۱ نوع در زمان حال. این دو رقم نشان می‌دهد که راوی بیشتر گزارش‌گر وقایع گذشته است تا حال، و تصدیق‌کننده آنچه ما پیش از این در رابطه با کاربرد زمان گذشته در این رمان گفتیم. از تعداد ۶۵۴ وجه خبری در زمان گذشته، ۴۹۳ بار آن در زمان گذشته ساده، ۷۲ بار در گذشته استمراری و ۶۱ بار در گذشته بعید می‌باشد که نکاتی را که در مورد این سه زمان در بخش زمان افعال آوردیم تصدیق می‌کند و اینجا برای طولانی نشدن کلام از ذکر دوباره آن خودداری می‌کنیم.

وجه پرسشی ۷۲ بار با زمان گذشته آمده است و ۵۲ بار با زمان حال. هرچند باز هم کاربرد زمان گذشته بیشتر است از حال، اما دلیل نزدیکی کاربرد این دو زمان می‌تواند به این خاطر باشد که اصل گفتن، اغلب حتی اگر مطلب در زمان گذشته باشد به زمان حال بیان می‌شود، پرسش و بیان پرسش نیز این‌گونه است.

در وجه عاطفی ۳۲ بار زمان حال داریم و ۶۷ بار یعنی تقریباً دو برابر زمان حال، گذشته داریم. بیان عواطف بیشتر در ذهن است و با این مصداق می‌توانیم آنچه را که در مورد دلیل به‌کارگیری بیشتر زمان گذشته در این رمان ذکر کردیم در اینجا هم مدّ نظر قرار دهیم.

وجه تأکیدی در میزان کاربرد زمان گذشته و حال تقریباً برابر است. از جملات زیر متوجه می‌شویم که دلیل این برابری در کاربرد دو زمان حال و گذشته مانند وجه پرسشی به این دلیل است که این وجه بیشتر به صورت نقل قول و دیالوگ می‌آید:

بوته‌های گوجه فرنگی همه سیاه شده بودند (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۴۱). یوپ دیس لوبیا را گذاشت روی میز و ظرف سالاد را گرفت جلو آلیس. «آها! حتماً روی رژیم هستیدی». سندلیش را عقب زد، با دقت آلیس را برانداز کرد و گفت: «شما هیچ رژیم لازم نداری. به عقیده این‌جانب همین‌طور بسیار بسیار خوب هستیدی» (همان: ۱۲۵).

وجه تردیدی ۲۷ بار در زمان گذشته و ۱۸ بار در زمان حال آمده است. تردید و دلی همان‌طور که آمد در ذهن شکل می‌گیرد پس با توجه به آنچه برای کاربرد زمان گذشته گفتیم درست می‌نماید که زمان گذشته در وجه تردیدی بیش از زمان حال باشد. بدیهی است که وجه امری اصلاً در زمان گذشته نیامده و تنها دو بار در مضارع التزامی

آمده است و در سایر موارد با فعل امری انطباق دارد. می‌دانیم که از کاربردهای مضارع التزامی آمدن این زمان در مفهوم امر است.

وجه شرطی ۱۷ بار در زمان حال و ۸ بار در زمان گذشته آمده است. در سایر وجوه نیز زمان حال یا بیشتر از زمان گذشته کاربرد دارد یا برابر با آن است که چون این وجوه کاربردهای اندکی دارند و چندان چشم‌گیر نیستند به توضیح یک یک آنها نمی‌پردازیم. اما در مورد وجه شرطی باید گفت معمولاً شرط را با زمان حال بیان می‌کنیم، همچنین در وجه التزامی نیز ما اجبار و الزام را به شکل زمان حال می‌آوریم، می‌توانید برای تصدیق این مطلب به مثال وجه تردیدی در داخل متن رجوع کنید. همین‌گونه است وجوه پیشنهادی، آرزویی، تمنایی، دعایی که برای آنها بیشتر از زمان حال استفاده می‌کنیم.

۷. تحلیل و تفسیر انواع ادات

در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، به ترتیب ادات کلامی در جایگاه نخست کاربرد هستند و سپس ادات موقعیتی و ادات کیفی کاربردهای کمتری را دارند. ادات کلامی پیونددهنده بندهای یک پاراگراف یا در سطح کلان‌تر یک متن می‌باشند. کاربرد بالای آنها نشان‌گر ذهن ارتباط‌دهنده و نظم‌دهنده کلاریس، راوی رمان است. کلاریس ذهنی نقاد و تحلیل‌گر دارد، او گویی این نکته‌بینی‌ها و تحلیل‌ها را به خوبی می‌تواند به هم ارتباط دهد و کلامی روشن و گسترده در متن خلق کند. کاربرد ادات موقعیتی در حدّ وسط دو نوع دیگر ادات، گویای این مطلب است که ذهن کلاریس از ارائه مفاهیم زمان، مکان، علت و چگونگی پدیده‌های مختلف روگردان نبوده و ذهن او تحلیلگر و راوی همین پدیده‌هاست، بنابراین جای تعجب نیست که بیشتر از ادات کیفی و کمتر از ادات کلامی که نقش پیونددهنده همین مفاهیم را ایفا می‌کنند، در متن به کار روند. مبتدای اصلی بند یکی از نقش‌هایی که باید داشته باشد، عنصر موقعیتی یا همان ادات موقعیتی بودن است. کاربرد نسبتاً بالای این ادات گویای این مطلب است که مبتداهای مفهومی و موضوعی در متن رمان زیاد به کار رفته‌اند. یعنی کلاریس به عنوان راوی همان‌طور که آمد، توضیح‌دهنده و بسط‌دهنده مفاهیم و حوادث تجربی است که در اطرافش اتفاق می‌افتد.

ادات کیفی خود به دو زیرمجموعهٔ ادات وجهی و ادات نگرشی تقسیم می‌شوند. ادات وجهی رابطهٔ تنگاتنگ با معنی وجه و ساختار آن دارند و به فعل و عنصر صرفی مربوط می‌شوند. ادات نگرشی نیز گویای نگرش گوینده نسبت به کل گزاره هستند. کمی کاربرد ادات کیفی می‌تواند بدین معنی باشد که راوی داستان از ارائهٔ نظر و نگرش خود نسبت به حوادث و رویدادها و یا کاربرد ادات تکمیل‌کنندهٔ فعل بند، پرهیز کرده است. در ادات کیفی، ادات نگرشی کمتر از ادات وجهی کاربرد دارند. البته همان‌طور که از آمار بر می‌آید این‌گونه نیست که کاربرد ادات کیفی خیلی کمتر از سایر ادات باشد اما در هر حال در سطح سوم کاربرد قرار دارند. کاربرد اندک ادات نگرشی شاید نشانی از ذهن در فشار و محدود راوی باشد. ذهنی که توان اظهار نظر در مورد حوادث و رخدادهای اطرافش را نداشته و قدرت ارائهٔ نظری را ندارد.

۸. نتیجه‌گیری

در بررسی‌های انجام شده به این نتایج رسیدیم:

- ۱- کاربرد زیاد زمان گذشته می‌تواند گویای دو نکته باشد: یکی این که راوی می‌خواسته نشان دهد که وقایع رمان اتفاق افتاده است و برای او تمام شده حال به قصد تعریف برای ما تکرار می‌کند، که بعید می‌نماید این هدف باشد. بیشتر احساس می‌شود که راوی می‌خواسته به اغلب مسائل و رویدادها از دیدی دور، گویی از بالا، بنگرد. این نگاه دور گویی در ذهن کلاریس قرار دارد؛ کلاریس دارد حوادث را تجربه می‌کند و چون در ذهن خود به تحلیل و بیان آنها می‌پردازد آنها را با زمان گذشته به کار می‌برد. گویی ذهن او جایی عمیق‌تر از نگاه او قرار دارد.
- ۲- تأیید مطلبی که در مورد قبل گفتیم کاربرد زمان حال است در مرور خاطراتی که راوی مشخصاً اظهار می‌کند که آن خاطرات دارد به یادش می‌آید. وقتی به زمان حال باز می‌گردد دوباره زمان گذشته غالب است (نک: پیرزاد، ۱۳۸۳: ۱۶۶).
- ۳- کاربرد اندک فعل امر و مضارع التزامی که می‌تواند نشان از عدم قدرت سیاسی زن رمان در خانه و در میان جمع‌هایی که در آنها قرار می‌گیرد باشد. وجه امری و التزامی نیز در این رمان کم کاربرد بودند.
- ۴- کاربرد بالای وجه خبری که نشان از گزارش و بیان حوادث به شکل جملات خبری از سوی کلاریس دارد.

- ۵- در مرتبه دوم بودن وجه پرسشی گویای ذهن نقاد و پرسشگر راوی است ذهنی که پیوسته صاحب خود را تحت فشار چراغ‌های گوناگون قرار می‌دهد.
- ۶- وجه عاطفی در مرتبه سوم است که نشان از عاطفه بالای زنان رمان دارد.
- ۷- وجه تردیدی کاربرد تقریباً بالایی دارد که نشان از تردید و ترس زن رمان در اظهار نظر قطعی دارد.
- ۸- کاربرد اندک وجه پیشنهادی و آرزویی نشان از ناامیدی و خستگی دارد.
- ۹- کاربرد بالای ادات کلامی گویای ذهن ارتباط‌دهنده و نظم‌دهنده کلاریس است.
- ۱۰- کاربرد مرتبه دومی ادات موقعیتی گویای این است که کلاریس بسط‌دهنده مفاهیم و حوادث تجربی‌ای است که در اطرافش اتفاق می‌افتد.
- ۱۱- کاربرد اندک ادات نگرشی در سطحی کلان‌تر می‌تواند به دلیل ذهن محدودشده زن رمان باشد.

منابع

- پیرزاد، زویا (۱۳۸۳) *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*، تهران: مرکز.
- فقیری، غلام محمد (۱۳۸۶) *سبک‌شناسی رمان بوف کور با رویکرد نظریه انتقادی* (پایان‌نامه دکتری) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۴۵) *دستور زبان فارسی*، [ابی‌جا]: فردوسی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹) *دستور زبان فارسی ۱*، تهران: سمت.
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۷) *دستور زبان فارسی ۲*، تهران: انتشارات فاطمی.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲) *دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید*، تهران: سخن.
- Berry, M. (1975). *Introduction to Systemic Linguistics: Structures and Systems*. London, batsford.
- Halliday, M.A.K. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. Revised by Christian M.I.M. Matthiessen. Second ed. New York. Arnold.
- Bloor, T. and Bloor, M. (1997). *The Functional Analysis of English. A Halliday Approach*. London: Arnold.
- Halliday, M.A.K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. Revised by Christian M.I.M. Matthiessen. New York: Arnold.
- Thompson, Geoff. (2004). *Introducing Functional Grammar*. second ed. New York: Arnold.